

چشم‌هایت را ببند

محمد یعقوبی

نمایشنامه‌ی بو تیمار

زیر نظر مهدی میرباقری



موسسه‌ی انتشارات توس

سرشناسه: یعقوبی، محمد، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور: چشم‌هایت را ببند/ محمد یعقوبی.
مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۵۲ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۱۳۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: نمایشنامه فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ چ۵/ع۷۵/PIR۸۳۳۳
رده بندی دیوبی: ۸۴۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۶۷۹۵۱

چشم‌هایت را ببند

نویسنده: محمد یعقوبی

مدیر امور هنری: رضا حیرانی

ناظر کیفی: حسین فاضلی، داریوش معمار

صفحه آرا: آتلیه هنری بوتیمار

ناشر: انتشارات بوتیمار

امور چاپ: کسری

نوبت چاپ: اول اسفند ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۱۳۵-۵

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۱۵۵۳ - ۹۱۳۷۵

تلفن: ۰۵۱۳-۸۴۵۰۶۴۹

تهران، خیابان کارگر شمالی

نرسیده به بلوار کشاورز،

بن‌بست گیتی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۰۰۷۴۸

همراه: ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸ - ۰۹۱۶۷۸۳۱۳۶۸

حق چاپ محفوظ است



موسسه انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com



instagram.com/btmpub

هرگونه بازتولید اثر به شکل فیلم، نمایش و صدا
بسته به مجوز مکتوب نویسنده پیش از آغاز تمرین است.
yaghoubbee@gmail.com

چندین چرا و چند چون

در نمایش‌نامه‌هایی که خواهید دید که پیش‌وندها و پس‌وندها را واژه‌های ترکیبی را جدا و بی‌فاصله نوشته‌ام، مثلاً «بیچاره» را «بی چاره»، «بیشتر» را «بیش تر»، «امروز» را «ام روز»، «دشوار» را «دُش وار» یا «نمایش‌نامه» را «نمایش نامه» نوشته‌ام. چرا؟ چون خواناتر است و سازگارتر با ساختار دستور زبان فارسی، گویاتر در رساندن معنا پس فهمیدنی‌تر، همراه‌تر با آوای کلام و البته یک‌دست‌تر و دورتر از سرهم‌نویسی پراستثنا. اما شاید جاهایی ببینید که پیش‌وند یا پس‌وندی به واژه‌ی قبل یا بعد خود چسبیده است، مثلاً «کودکانه» را همین‌طور می‌نویسم، چرا؟ چون مهم‌ترین معیارم آوای کلام است. وقتی که پس‌وندی آوایش با واژه‌ی اصلی گره خورده است، از موسیقی پی‌روی می‌کنم. همان‌طور که «بیش تر» این‌گونه جدا خواناتر و آوانگارتر است، «کودکانه» چسبیده به هم خواناتر و آوانگارتر است. «کودکانه» یا «ساختار» را جدا نوشتن هم موسیقی را مخدوش می‌کند هم معنا را. اما «بیش تر» را همین‌طور جدا نوشتن هم به آوای کلام پای‌بند است هم به معنای آن.

و خواهید دید که واژه‌های تنوین‌دار را با حرف «ن» نوشته‌ام چون آوانگارتر است.

و خواهید دید که «زندگی» را «زنده‌گی»، «خستگی» را «خسته‌گی» نوشته‌ام. چرا؟ چون لزومی ندارد «ه»ی تومری خورده‌ی مشهور به «های» ناملفوظ را حذف کنیم. چرا «ه» را حرف زایدی بینداریم و «گ» را جای‌گزین آن؟ این رفتار با «ه» فقط خوارپنداشتن این حرف سیاه‌بخت نیست، «گ» را هم در حد یک مزدور جای‌گزین خوار می‌کند. به سود زبان هم که نیست، پر استثناکردن زبان است. پس به‌تر است «گ» را نه جای‌گزین «ه» بل که حرف میانجی بینداریم، میانجی برای خوش‌آواشدن. و شما در نمایش‌نامه‌هایم ضمیر متصل نخواهید دید، ضمیر در نمایش‌نامه‌هایم هم‌واره جدا از واژه‌ی بعد از خود ولی بی‌فاصله نوشته شده است. چون مثلن «بهت» را در معنای «به تو» اگر «به‌ت» بنویسیم هم خواناتر است هم دریافتنی‌تر. راستی چرا پس «خواندنی» را «خاندنی»، «خواستن» را «خاستن» نمی‌نویسم؟ چون تا امروز قانع نشده‌ام اندک واژه‌های بی‌نوایی را که به این‌گونه نوشتن ویژه‌اند و دلیل تاریخی خود را دارند از ریخت بیندازم.

و «ه» به تنهایی در پایان جمله‌ها کوتاه‌نوشت «است» است. پس «کیه» را «کی» می‌نویسم. «جیه» را «چی» می‌نویسم: چرا؟ چون خوش‌م نمی‌آید در محاوره‌نویسی «ه» را در معنای «است» بی‌دلیل به واژه‌ی پیش از خود می‌چسباندند و خواهید دید که...